

پرسش شماره ۸

نشریه سیاسی قانون مباحث کمونیسم کارگری

دوشنبه بیستم مرداد ماه ۹۹ - دهم اگوست ۲۰۲۰



اعتصابات کارگری

محمد آسنگران

پرسش: اعتصابات کارگری در بیش از چهل واحد تولیدی از قبیل پالایشگاه های نفت، گاز و پتروشیمی ها، هفت تپه و هیکو بطور وسیع در جریان است ابعاد این اعتصابات چه از نظر وسعت و چه

صفحه ۴

جنبش زنان کدام افق سیاسی

محمد رضا پویا

(بخش دوم)

کمونیسم کارگری در عرصه زنان

همانطوریکه در بخش اول این مطلب گفته شده، جریان کمونیسم کارگری در دهه 90 در عرصه زنان به اوج کار خود رسیده بود. در این سالها حتی دشمنان قسم خورده حزب کمونیست کارگری برای اثبات "کارگری" نبودن حزب، "استدلال" میکردند که که اینها حزب مدافع حقوق زنها هستند. این چهره سیاسی ما در آن سالها بود و از انجاییکه پس از انقلاب اکتبر هیچ بخشی از چپ در جهان در این عرصه کار خاصی انجام نداده بود، جریان ما برای ورود به این عرصه و سفت کردن پای خود بعنوان یک جریان مدعی، میبایست سنگر به سنگر با جریانهای دیگر و از همه مهمتر با جمهوری اسلامی، جنگ و جدل میکرد. ما برای مطرح شدن بعنوان یک نیروی مدعی در این عرصه، هم میبایست نقد کنیم و هم برنامه ارائه میکردیم. میبایست نشان میدادیم که حرف برای گفتن داریم، آنهم حرفهای تماما جدید. ما، هم میراث دار زحمات کمونیستها در انقلاب اکتبر در عرصه زنان بودیم و هم میبایست مطالباتی را جلو جامعه میگرفتیم که از مدنی ترین قوانین کشورهای غربی، جلوتر باشد. حجاب بعنوان سمبل بردگی زن و نه پوششی که حق انتخابش از زنان گرفته شده و نشان دادن رابطه وجود قوانین اسلامی با بی حقوقی زن و زمین زدن هیولای اسلام بعنوان یکی از ملزومات آغاز تغییرات رادیکال و زیر و رو کننده وضعیت زنان در کشور، از جمله عرصه هایی بودند که جریان ما در آن تنهای تنها بود. چونکه از قمه کشان اسلامی بعنوان نگهبانان ناموس جامعه تا منادیان "نسبیت فرهنگی" همگی برای دفاع از "عمارت فرهنگ خودی" در مقابل ماف حضور بهم رسانده بودند. تنها بودیم اما پیشروی سیاسی میکردیم.

حلقه های گرهی در پیشروی اعتلاء کارگری

علی جوادی

بار دیگر طبقه کارگر به میدان آمده است. اعتراضات کارگران هفت تپه، اعتراض کارگران نفت و گاز و پتروشیمی، اعتراض رانندگان کامیون و سایر بخشهای طبقه کارگر، بیانگر یک اعتلاء کارگری در

صفحه ۷

کارگران میتوانند!

غولی که باید تکان میخورد راه افتاده است!

محمد آسنگران

موجی از اعتصابات کارگری ایران را فراگرفته است. اعتصابات که

صفحه ۸

اطلاعیه در رابطه با بحران کرونا در زندان اوین

از کارزار آزادشان کنید

صفحه ۳

نشریه پرسش هر دوشنبه منتشر می شود!

سردبیر: محمد رضا پویا

mohammadreza.pooya@gmail.com

صفحه آرا نشریه: پدram نواندیش

کارگران جهان متحد شوید!



جنبش زنان کدام افق سیاسی

محمدرضا پویا

(بخش دوم)

چتری برای متشکل کردن چهره های جدید راییدیکال می‌شد، به نیروی غایب این عرصه تبدیل شد. جنبش زنان تا انجاییکه به حضور نیروی متشکل در این عرصه مربوط می‌شد، در دهه اول سال دو هزار دچار یک خلاء سیاسی گردید. اما از انجاییکه مسله زن در جامعه یک مسله روز است و به یمن وجود منحوس رژیم اسلامی شرایط زندگی زنان در کشور هر روز دهشتناکتر می‌شود، این خلاء سیاسی نمی‌توانست چندان دوامی بیاورد. ظهور پدیده‌هایی مانند مسیح علی‌نژاد و جنبش "روسری گل گلی‌ها" و چهارشنبه‌های سفید، حاصل همین دوران غیبت و خلاء سیاسی است.

پایان بخش دوم

کمونیسمی که بر سر حقوق زنان ذره ای کوتاه نمی‌آید، بخشی از سیمای سیاسی ما در دهه نود بود. جامعه هم ما را با همین سیما می‌شناخت. در اواخر دهه اول دو هزار تقریباً دیگر چیزی از این سیمای سیاسی باقی نمانده بود. مرگ منصور حکمت و متعاقب آن، جدایی‌ها و انشعابات در صفوف کمونیسم کارگری در کمرنگ شدن سیمای سیاسی مورد اشاره بالا، بسیار تعیین‌کننده بود. در پی آن، حاکم شدن سیاست وخطوطی که روزانه هر چه بیشتر از مبانی سیاسی کمونیسم کارگری دورتر می‌شدند، به کور شدن افق سیاسی روشن دیرروز کمک نمود. درست در هنگامه ای که مسله زنان با شدت و حدت بیشتری نسبت به گذشته در جامعه مطرح شد، اولویتهای سیاسی کل بخش متشکل کمونیسم کارگری باز تعریف شدند. سهم چگونگی حضور ما در جنبش زنان در پس این بازتعریف، عقب نشینی در این عرصه بود. "عرصه زنان یکی از مهمترین عرصه‌ها در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی است" به ویتترین سیاسی امان منتقل شد. پیامدهای سیاسی آن هم، همانی بود که همگان دیدیم: نشریتمان در این عرصه تعطیل شد، آنی هم که باقی ماند کارکردش در حد همان "ویترنی" بود که در بالا شرح رفت. چهره‌های سیاسی کمونیسم کارگری در عرصه زنان آرام آرام در مه فرو رفتند و محو شدند، آزیتاتورها، قلم‌زنها، جدال‌کنها همه یکی پس از دیگری عرصه را ترک کردند. طنز تلخ مسله انجاست که کل این وقایع در زمانی در حال اتفاق بود که جامعه شاهد عروج چهره‌های جوانی در عرصه جنبش زنان بود که عروجشان گواه این بود که جدال زنان با رژیم اسلامی و قوانین اسلام در یک دوز بالاتری نسبت به گذشته، در حال جریان است. یک اتفاق ویژه ده دوم سال دو هزار، پدیدار شدن پیامدهای سیاسی و اجتماعی انقلاب جنسی ای در جامعه ایران که یک دهه قبل ابتدا بشکل زیر زمینی و بعدها در یک پروسه چند ساله به سطح آمد و تاثیرات بزرگی بر مسائل سیاسی و اجتماعی و بویژه کار در عرصه زنان گذاشت. آنچه بطور خلاصه در مورد این دوره میتوان گفت این است که ورود چهره‌های رادیکال نسل جدید به جنبش زنان با غیبت بخش متشکل رادیکال در این جنبش مصادف شد. بخشی که میبایست با حضور خود مبارزین جدید این عرصه را به چهره‌های سیاسی جامعه تبدیل می‌ساخت، بخشی که میبایست بر روی سنگ‌های فتح شده اعلام پیروزی می‌کرد، میبایست عقب نشینی‌های رژیم اسلامی در برابر خواسته‌های رادیکال جاری در جامعه را ثبت و سنددار می‌کرد، میبایست پرچم زمین میزد و نیرو در پشت ان بسیج می‌کرد، میبایست

کارگران کمونیست خواهان انقلابند. اما کدام انقلاب؟

طبقات مختلف و گرایشات سیاسی و اجتماعی مختلف

"انقلاب" را به معانی بسیار متفاوتی بکار می‌برند. دنیای

ما همه نوع "انقلاب" و همه نوع "انقلابی" ای بخود دیده

است. تقریباً هر کس و هر جریانی که میخواهد وضع

موجود در جامعه را بشیوه ای ناگهانی و بطور

غیرمسالمت آمیز تغییر بدهد از انقلاب حرف می‌زند و

خودش را انقلابی مینامد. خیلی از این انقلابات چیزی

بیشتر از ارتجاع صرف نیستند. نمونه "انقلاب اسلامی"

زنده و حی و حاضر جلوی چشم ماست. عقب مانده ترین

خرافات و مشقت بارترین اوضاع را انقلاب نام گذاشته

اند. مرتجع ترین و کثیف ترین عناصر نام انقلابی بر خود

نهاده اند. کارگر کمونیست پیگیرترین دشمن چنین

انقلابات و انقلابیون دروغینی است.

منصور حکمت

مرگ بر جمهوری اسلامی!

در رابطه با بحران کرونا در زندان اوین

از کارزار آزادشان کنید

زندانیان سیاسی دست به تحصن اعتراضی زدند

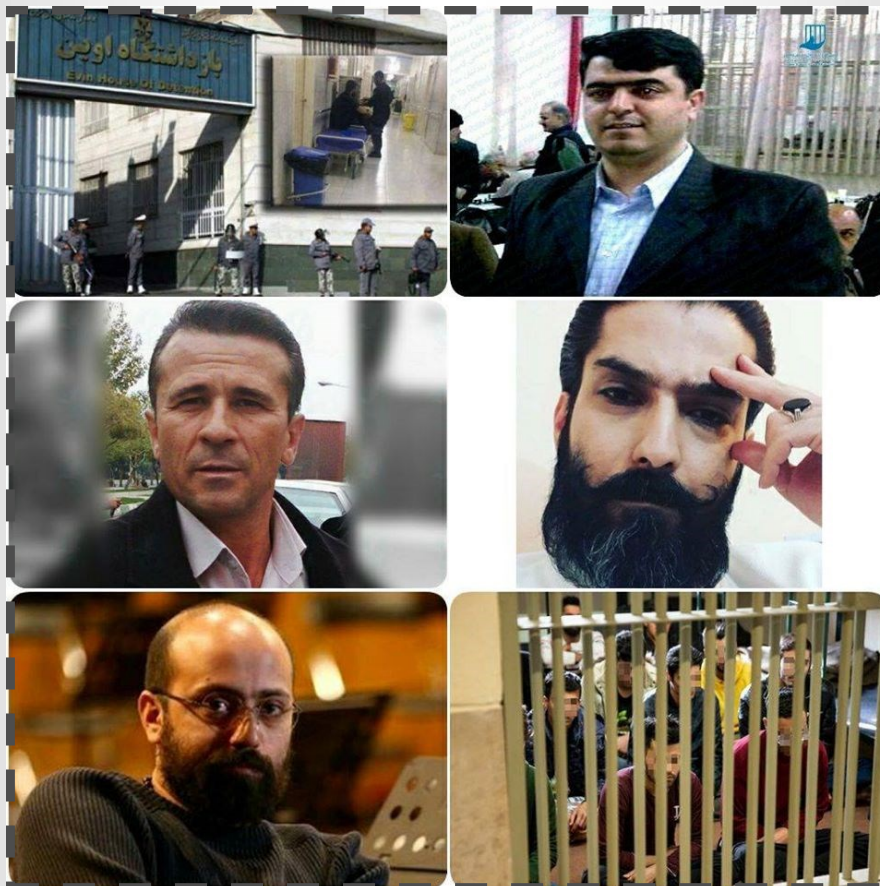
امروز دوشنبه ۲۰ مردادماه در پی شیوع همه گیری علائم کرونا در بین زندانیان بند ۸ زندان اوین، ۲۷ تن از زندانیان سیاسی در این بند با تحصن و بست نشینی در حیاط این زندان خواستار رسیدگی فوری به شرایط پیش آمده در این سیاه چال شدند. روز یکشنبه ۱۹ مردادماه در پی وصول نتیجه آزمایش رندوم (تصادفی) از هفده زندانی در سیاه چال ۸ زندان اوین مشخص شد دوازده تن از زندانیان به ویروس کرونا آلوده شده اند ، با تایید این موضوع این دوازده زندانی به بهداری زندان منتقل شدند. اسماعیل عبدی، جعفر عظیم زاده، امیرسالار داوودی، مجید آذری، محسن قنبری و محمدعلی مصیب زاده از جمله این افراد هستند. از میان این افراد اسماعیل عبدی به بیماری زمینه‌ای آسم مبتلا است و جعفر عظیم زاده نیز از مشکلات کلیوی و قلبی و عروقی رنج می‌برد که همین امر می‌تواند جان آنان در برابر کرونا بیش از سایرین در معرض خطر قرار دهد.

به همین دلیل ۲۷ تن از زندانیان سیاسی در این بند با تحصن و بست نشینی در حیاط این زندان خواستار رسیدگی فوری به شرایط پیش آمده در این زندان شدند.

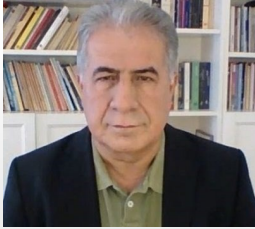
بهنام موسیوند، بهنام شیخی سامانلو، حمید منافی نظرلو، علیرضا فرشی دیزج یکان، بهنام محجوبی، مصیب رئیسی یگانه، امین لقایی، اصغر شیری، روح الله خضری، آسبین جعفریان، صبحان ایمانی، سینا سالک، امیررضا محمودی، حسین محمودی، محمود علی نقی، یاسین جمالی، بهروز سلطانلو، منوچهر بلوریان، آرش شیرزادی، احمد فارسی، محسن فرید، سیدمهدی مصطفوی، علیرضا خسروجرابی، امیرحسین میرخلیلی، مرتضی کریمی، مرتضی پورعلی، محمدهادی مهرانی، ۲۷ زندانی معترضی هستند که با تحصن امروز خواستار رسیدگی فوری به شرایط پیش آمده در زندان اوین شدند

[@azadeshankonid](https://t.me/Azadeshan_konid)

https://t.me/Azadeshan_konid



کارگر زندانی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!



اعتصابات کارگری

محمد آسنگران

طولانی تر میشود و جامعه به این فناخت رسیده است که این حکومت اصلاح پذیر نیست و باید برود. به همین دلیل جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی امروز بزرگترین و فراگیر ترین جنبش جاری در ایران است. اعتصابات کارگری در حقیقت موتور اصلی این جنبش است. بنابر این فاکتورهای فوق زمینه و عوامل پایه ای این اعتصابات محسوب میشوند.

پرسش: اعتصابات جاری کارگران چه جایگاهی در شرایط سیاسی کنونی جامعه دارد و چه تاثیری بر فضای عمومی جامعه میگذارد؟

آسنگران: اولین تاثیرش این است که مردم میبینند سرکوب و کشتار توسط حکومت، جامعه را مرعوب نکرده است. مردم میبینند که راههای مبارزه و تلاش برای تحمیل مطالبات بر حق اشان ابعاد وسیع و عمیقی دارد. کارگران و خانواده هایشان به عنوان طبقه ای که اکثریت جامعه ایران را تشکیل میدهند، نمیتوانند شاهد مرگ تدریجی خود و خانواده هایشان باشند. در ضمن این اعتراضات فقط به جوانان بیکار و عاصی که نیروی اصلی اعتراضات خیابانی در سالهای گذشته بوده اند، محدود نیست. جامعه میبیند که فقر و فلاکت کنونی مرزهای شاغل و بیکار را در هم درنوردیده و اکثریت بالایی از مردم ایران در شرایط مشابهی زندگی میکنند که ادامه آن غیر ممکن شده است. با این اعتصابات، کارگران پیشقراول حرکتی شده اند که کل جامعه قبلا چند بار برای پیروزی آن خیز برداشت ولی با سرکوب دولتی مواجه شد. واقعیت این است که هم حکومت اسلامی ایران و هم مردم معترض میدانند که مطالبات کارگران و اکثریت مردم که به قول حکومتیها شصت میلیون نفر برآورد شده اند، با وجود این حکومت و این قوانین پاسخی بجز سرکوب نخواهد گرفت. این فرض همه مردم به جان آمده از رژیم اسلامی است. کارگران و پیشتازان جنبش کارگری دارند با همه جناح ها و سران این حکومت دست و پنجه نرم میکنند و در عمل پا روی گلوی حکومت گذاشته اند. اکنون دیگر همه میدانند که اولین مانع در مقابل مردم و کارگران کلیت این حکومت جانی و اسلامی است. حکومتی که با جنگ و دندان مردم را نیکه پاره میکند تا از منافع سرمایه داران و گله های اوباش اسلامی حفاظت کند.

در مقابل چنین حکومتی و برای عبور از فقر و فلاکت و بی آیندگی، کارگران تنها سلاحی که دارند را به دست گرفته اند و کار را تعطیل کرده اند. یعنی دست به اعتصاب زده اند. اعتصابی که در تاریخ ایران بویژه در تاریخ جمهوری اسلامی بی سابقه است. حتی در دوره انقلاب ۵۷ که کارگران نفت در اعتراض به رژیم سلطنتی شیرهای نفت را بستند و کمر رژیم شاه را شکستند، آن اقدام تعیین کننده در اوج انقلاب مردمی اتفاق افتاد و بسیار شرایط با امروز متفاوت بود. امروز حکومت با همدستی و وپروس کرونا خیابان را تا حدودی از مردم گرفته است و این طبقه کارگر ایران است که پرچم حق طلبی جامعه را به دست گرفته است و خواهان عبور از شرایط فلاکت بار کنونی است. بدون شک تاثیرات این حرکت کارگری امید به میدان آمدن مجدد مردم به خیابان را بیشتر کرده است. مردم برای تعیین تکلیف نهایی با حکومت راهی بجز کنار زدن کلیت این نظام فاسد و جنایتکار پیش روی خود نمیبینند. اما تاثیر و جایگاه این حرکت جنبش کارگری از این هم فراتر است.

از نظر درگیر بودن کارگران واحد های مهم و پایه ای، در تاریخ جمهوری اسلامی بی سابقه است. چه عوامل و زمینه هایی موجب شکلگیری این اعتصابات شده است؟

آسنگران: مهمترین عامل این اعتصابات فقر و فلاکتی است که به جامعه تحمیل شده است و کارگران در زیر بیشترین فشار اقتصادی، امکان ادامه زندگی عادی را از دست داده اند. علاوه بر استبداد و سرکوب دائمی که پیشه جمهوری اسلامی بوده است، امروز تهیه اولیه ترین ضرورت های زندگی برای کارگران و تمام اقشار کم درآمد جامعه، غیر ممکن شده است. مقامات رژیم بارها تاکید کرده اند که بیش از شصت میلیون از جمعیت هشتاد میلیونی ایران در زیر خط فقر زندگی میکنند. اما گفتن اینکه کارگران چه آن بخش که اسما شغلی دارد و چه بخش بیکار این طبقه، درآمد زیر خط فقر دارند هنوز گویا نیست و ابعاد فاجعه را توضیح نمیدهد. زیرا طبق برآوردهای اولیه گفته میشود اکنون با توجه به بازار ارز و بی ارزش شدن ریال، خط فقر به حدود دوازده میلیون تومان رسیده است. این در حالی است که حقوق پایه یا حداقل دستمزد کارگر در این جامعه کمتر از سه میلیون تومان تعیین شده است. این یعنی چهار برابر زیر خط فقر. تازه ابعاد فاجعه و تحمیل فلاکت به زندگی خانواده های کارگری از این هم بدتر است. اگر بخش بیکار طبقه کارگر را از این معادله کنار بگذاریم که هیچ درآمدی ندارد، حتی همان بخشی که ظاهرا شغلی دارد و باید ماهانه مبلغی دستمزد دریافت کند، برای کسب دستمزدش باید اعتصاب کند، زندان برود و مشقات ببیند زیرا که همان دستمزد کار انجام شده هم پرداخت نمیشود. یعنی کارگر کار میکند، تولید میکند، سود به کارفرما میرساند، چرخ اقتصاد را تا جایی که به صرف نیروی کار مربوط است، میچرخاند ولی دستمزدش را پرداخت نمیکند. این حتی اسمش برده داری مدرن هم نیست. زورگویی آشکار برای تحمیل مرگ تدریجی به طبقه کارگر است. اعتصاب بیش از چهل مرکز کارگری عکس العملی به این شرایط غیر قابل تحمل است.

اما علاوه بر این بستر عمومی که جامعه را مانند بشکه ای از باروت آماده انفجار کرده است، هر نوع اعتراض و اعتصابی از جانب حکومت تا کنون با مشت آهنین پاسخ گرفته است. اعتراضات سال ۹۶ و ۹۸ بر همین بستر عمومی شکل گرفت. ولی دیدیم که جمهوری اسلامی با چه درجه از توحش و بیرحمی به آن پاسخ داد. در این میان علاوه بر سیاست سرکوب و قتل و کشتار و دستگیری و شلاق و... مسئله گسترش وپروس کرونا هم باعث شد چند ماهی مردم نتوانند به خیابان بیایند. اما کارگران با اعتصابات اخیر، بویژه با پیشتازی اعتصاب شکوهمند کارگران هفت تپه، یک بار دیگر به میدان آمده اند که بگویند این زندگی نیست و مرگ تدریجی را هم تحمل نمیکنیم. بر متن چنین شرایطی کارگرسهمش را از زندگی میخواهد. حکومت نه تنها پاسخگو نبوده بلکه لیست دزدیها و فساد و اختلاس حاکمان هر روز

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگری علیرغم اینکه در استخدام موقت یا دائمی یک یا چند پیمانکار هستند، باید بر اساس فابریک محل کار و یا جغرافیای محل کار متشکل بشوند. مثلاً مرکز صنعتی عسلویه شامل فابریکهای مختلف و دهها پیمانکار در سطوح متفاوت است. اما راه متشکل شدن کارگران این منطقه جغرافیایی باید بر اساس جغرافیای محل کار سازمان داده شود. در غیر این صورت کارگران گاز و نفت و خدمات و جوشکار و برق کار و خدمات و... نمیتوانند جداگانه در این مرکز هر کدام تشکلهای منفک و مجزای خود را داشته باشند. اگر حتی چنین اتفاقی بیفتد ناکارآمد و غیر موثر خواهد بود. بنابراین این فعالین و کارگران پیشرو و سوسیالیست در این مراکز باید فکری به حال این اوضاع بکنند و بر اساس موقعیت فابریکی و جغرافیایی محل کارشان، راه عملی و قابل حصول برای متشکل شدن پیش روی کارگران قرار بدهند.

یک مانع دیگر این مراکز این است که خواسته ها و مطالبات تا حدی خود ویژه هستند و در مواردی هم کارگران مطالباتی عمومی و سراسری دارند. در قدم اول باید اعتراض و تشکل کارگران بر اساس مطالبات عمومی کارگران هر مرکز و جغرافیای کاری شکل بگیرد. در غیر اینصورت بخشهای مختلف کارگران به قسمتهای کوچکتر تبدیل میشوند و قدرت تحمیل مطالباتشان را نخواهند داشت. بنابر این، دومین مسئله ای که باید کارگران فعال و رهبران کارگری مد نظر داشته باشند مطالبات مشترک و عمومی است که تعداد هر چه بیشتری از رشته های کاری را به هم وصل کند.

یکی دیگر از موارد مهم اعتراضات کارگران نفت و پتروشیمی و... این است که بتوانند از تجربه کارگران هفت تپه استفاده کنند و رهبران و فعالین و سخنگویان خود را به بقیه کارگران و جامعه معرفی کنند. استفاده از تجربیات کارگران هفت تپه دو مولفه مهم و حیاتی را در جنبش کارگری برجسته کرده است. یکی اتکا به مجمع عمومی و استفاده از تصمیم گیری شورایی و دیگری عروج سخنگویان جسور و کاردانی که بتوانند لحظه به لحظه اعتصاب و اعتراض کارگران را هدایت کنند و کارگران را در این امر دخیل کنند. ظرف چنین کاری طبق تجربه کارگران هفت تپه، مجمع عمومی و تصمیمگیری شورایی است. این سبک و این سیاست هم اتحاد و تشکل کارگران را تضمین میکند و هم در یک پروسه مبارزاتی طیف وسیعی از کارگران مستعد را به رهبران و سخنگویان لایق جامعه تبدیل میکند.

پرسش: در اعتصاب کارگران هفت تپه خواست انتقال مالکیت کارخانه از بخش خصوصی به دولتی طرح شده است. نظرتان در مورد این مطالبه چیست؟

آسنگران:

اولین جنبه مهم در این مطالبه پاسخگو کردن دولت در مقابل تامین معیشت کارگران است. کارگران با این مطالبه تلاش میکنند علیرغم چگونگی سود و ضرر کارخانه، دولت را در قبال تامین زندگی و معیشت کارگران پاسخگو کنند. اما این مطالبه در عین حال یک نقطه ضعف در خود دارد ما قدم به قدم میبینیم که مقامات حکومتی از این دریچه وارد شده و میخواهند کارگران را دچار تفرقه کنند. با حقه بازی و ترفندهای مختلف، حکومتها از این موضوع استفاده کرده و میخواهند فشار اعتراض کارگران را طوری کانالیزه کنند که به اهداف جناحی خود که قدرت و ثروت بیشتر است برسند. چنانچه اکنون اعتراض و اعتصاب متحدانه کارگران هفت تپه نتایجی که داشته این است که حکومتها پذیرفته اند اسدیگی مالک خصوصی این شرکت باید برود. این یک قدم، پیشروی کارگران محسوب میشود. ولی حکومتها از کنار گذاشتن اسدیگی میخواهند به هدف جناحی خود برسند. یکی میگوید اسدیگی اهلیت نداشته و باید کارفرمای اهلیت دار بیاید. آن یکی میگوید اگر این هم نشد بنیاد

واقعیت این است هم از نظر کارگر و هم از نظر بخش عمده ای از بورژوازی ایران این رژیم عمرش تمام شده است و باید برود. در پس این فضای عمومی و روزشماری برای رفتن رژیم جمهوری اسلامی، جدال آلترناتیوهای متفاوت برای شکل دادن به جنبش سرنگونی طلبانه و هژمونی پیدا کردن در این جنبش هم بیش از پیش برجسته شده است. بنابر این شکل دادن به آینده ایران خود موضوع جدال جنبش کارگری و کمونیستی در تقابل با جنبشهای راست و بورژوایی است. این تقابل امروز بیش از گذشته روی میز همه متفکرین و فعالین و رهبران جنبشهای اعتراضی و طبقاتی قرار گرفته است. اعتصابات اخیر در عین حال که جنگ با رژیم حاکم و تلاش برای ساقط کردن آن را در دستور گذاشته است، عملاً جدال با جریانات راست بورژوایی را هم به نفع خود تغییر داده است. اعتصاب سراسری که امروز گوشه ای از آنرا شاهد هستیم روش و سیاست جنبش کارگری برای تقویت امید در جامعه جایگاه مهمی دارد. در عین حال تفاوت سیاست چپ و کارگری را با سیاست جریانات رژیم چنجی و دست به دست شدن قدرت از بالای سر مردم و ماجراجویی خرده بورژوایی را نشان میدهد.

پرسش: محدودیت ها و موانع پیشروی اعتصابات در پالایشگاه ها، مراکز نفتی و پتروشیمی با توجه به اینکه 70 درصد از کارگران پیمانی هستند و از پیمانکاران مختلف دستمزد دریافت میکنند، چیست و چگونه میتوان بر آن فائق آمد؟

آسنگران:

کارگران پالایشگاهها و مراکز گاز و نفت و پتروشیمی و کلا اکثر صنایع ایران با سیاستی آگاهانه و کار شده از جانب حکومت چنان سازمان داده شده اند که هر گروه از کارگران را تحویل پیمانکاری داده اند. بر اساس همین تقسیمات قرار دادهای موقت و سفید امضا و دستمزد کم و... را به کارگران تحمیل کرده اند. این نوع سیستم کاری و استخدامی، با عث شده است که کارگران از بسیاری از حقوق خود محروم شوند. حتی همان حقوقی که بر اساس قانون کار ضد کارگری رژیم به کارگران تعلق میگیرد، نیز هم اکنون اجرا نمیشود. بنابر این وجود پیمانکار حتی یک سلسله مراتب اولیگارشسی در مراکز کارگری بوجود آورده است که پیمانکارهای اصلی پروژه های بزرگ را به پروژه های کوچکتر تقسیم میکنند و به پیمانکارهای کوچکتر تحویل میدهند. بگونه ای که در فاصله بین کارگر و دولت یا کارگر و کارفرمای اصلی، ما با یک طیف پیمانکار مواجه هستیم که هر کدام از آنها یک یا چند پروژه را از پیمانکار بزرگتر از خود تحویل گرفته و علاوه بر دولت و کارفرمای اصلی صنایع تولیدی، همه آن پیمانکاران در این طیف میانی هم مشغول اختلاس و دزدی و حذف مزایای کارگران و پایین آوردن دستمزد کارگران هستند. دقیقاً بهمین دلایل فشار به کارگران اکنون به حدی رسیده است که غیر قابل تحمل شده است. دستمزدها را چندین ماه نمیدانند و هر کدام میگویند پیمانکار مافوق یا دولت و کارفرمای اصلی بودجه را پرداخت نکرده و ما هم نمیتوانیم دستمزد را پرداخت کنیم. دولت آخرین حلقه این سلسله اولیگارشسی مراکز کار است.

در چنین شرایطی اولین مانع برای کارگران، متشکل شدن در یک تشکل کارگری است. برای عبور از این سدی که دولت و کارفرما در مقابل کارگران ایجاد کرده اند، باید تشکلهای فابریکی و جغرافیایی را مطرح کرد که کارگران یک مرکز

مثلا بزودی این شعار عملی میشود. به نظر من طرح این تاکتیک در شرایط امروز بیشتر شبیه گفتمان سازی و فرهنگ سازی و فعالیت تبلیغی دراز مدت است تا یک سیاست کار شده و آگاهانه برای اتخاذ و اجرا در فضای سیاسی و تعادل قوای کنونی.

من بجای اعتصابات عمومی که در عمل بدون تعطیلی بازار و کسبه و مدارس و دانشگاه و ادارات و.... بی معنی میشود، تاکتیکم بر گسترش اعتصابات سراسری کارگران است. در کنار این سیاست ما باید از همه اقشار ناراضی و معترض جامعه بخواهیم با طرح مطالبات خود دست به اعتراض بزنند و حول مطالباتشان متشکل بشوند. تشکل و سازمان و هدفمند بودن هر حرکت مردم باید در اولویت ما باشد. فعالین و رهبران جنبشهای اعتراضی باید در محدوده جنبشی که در آن نقش دارند تلاش کنند بیش از پیش راه تشکل یابی و سازمان پیدا کردن برای ادامه اعتراض و تقویت اتحاد مردم را مد نظر داشته باشند.

انقلاب کارگری چه هدفی را دنبال میکند؟ پاسخ این

سوال در همین جامعه سرمایه داری نهفته است. هر کارگری که ده دقیقه به اوضاع خودش فکر کند ایراد اصلی ای را که باید در دنیا برطرف شود تشخیص میدهد. این جامعه وارونه است. تولید کنندگان ثروت جامعه، کارگران، بی چیزند و بیکارگان ثروتمند. پست ترین و فرومایه ترین عناصر، نجبا و عالیجنابان این جامعه اند و شریف ترین مردم، توده زحمتکشان فرودست و بی حقوق اند. آنها که یک عمر کار کرده اند و ثروت ساخته اند حتی پس از سی سال برای گذران هر روز از زندگی خود باید از نو برای کارشان مشتری پیدا کنند. قدرت خلاقه و مولد کارگر خود را در قدرت اجتماعی و سیاسی روزافزون سرمایه و فرودستی هرچه بیشتر خود کارگر نشان میدهد. برای حفظ این جامعه وارونه دولت ها پیدا شده اند، ارتشها ایجاد شده اند، زندانها و شکنجه گاهها بنا شده اند، خدایان آفریده شده اند و مذاهب ساخته شده اند. مساله از روز روشن تر است. این جامعه مبتنی بر بردگی است. بردگی مزدی. هیچ درجه رشد خدمات اجتماعی و بیمه ها و افزایش درآمد کارگران که تازه همه باید با نبرد و با زور از حلقوم طبقات حاکم بیرون کشیده شوند، در اساس این موقعیت برده وار کارگر تغییری نمیدهد. کودکی که امروز در میان ما متولد میشود مهر استخدام سرمایه شدن را بر پیشانی خود دارد.

کل تبعیضات اجتماعی و سیاسی و کل فساد و تباهی اخلاقی جامعه حاضر، از ستمگری بر زنان و تبعیض نژادی تا اعتیاد و فحشا، از رقابت و منفعت طلبی فردی که در خون جامعه جریان دارد تا قحطی و گرسنگی و بیماری که هر روز میلیونها انسان محروم را بکام مرگ میکشد، همه حاصل این وارونگی جامعه اند. جامعه ای که صاحبان برحق و آفرینندگان واقعی آن، کارگران، اسیر بردگی مزدی اند. انقلاب کارگری بر سر در هم کوبیدن بنیاد این جامعه طبقاتی است.

منصور حکمت

مستضعفان و کمیته امام و سپاه و تامین اجتماعی آلترناتیوهای دیگر هستند و.... کارگران به درست همه این طرفنها را پاسخ داده و رد کرده اند. اما خود خواست دولتی کردن هنوز این مشکل را در خود دارد که مقامات حکومتی بتوانند مانور بدهند و مطالبه واقعی کارگران را بی پاسخ بگذارند. اولاً بحث اصلی و مطالبه اصلی این است که سرمایه دار خصوصی باید خلع ید بشود. دوما پیشنهاد ما این است که بجای مطالبه اثباتی "دولتی شدن" نیشکر هفت تپه، بهتر است کارگران بحث تعیین و انتخاب مدیر کارخانه بوسیله کارگران و کارکنان نیشکر هفت تپه را در مقابل آلترناتیوهای دولتی و غیر دولتی مطرح کنند.

روشن است در یک جامعه آزاد و برابر مالک واقعی این کارخانه و کل صنایع تولیدی و دارایی های جامعه، کارگران و تولید کنندگان و همه شهروندان جامعه هستند. بنابر این نه دولت و نه سرمایه داران خصوصی نباید به عنوان مالکان اصلی فرض گرفته شوند. اما در تعادل قوای کنونی و در مورد مشخص نیشکر هفت تپه مناسبترین مطالبه این است که اولاً چند نفر برای پست مدیر شرکت کاندید بشوند. طبعاً آن وقت دو طرف کارگر و دولت باید بر سر تعیین کاندیدها برای این پست توافق بکنند. بعد از توافق با رای کارگران و همه کارکنان شرکت هفت تپه این پست تعیین تکلیف بشود. از این طریق کارگران میتوانند نظارت همراه با قدرت اجرایی را در دست داشته باشند. چنانچه هر مدیری وظایفش را خوب انجام نداد با رای اکثریت کارگران قابل عزل باشد. این مطالبه اگر به دولت تمیل بشود آن وقت کارگران نظارت خود را بر کارخانه و سیاست جاری در این محل را با اهرم انتخاب و حق تعیین و عزل مدیر همراه میکنند و نظارت واقعی و عملی میتوانند اعمال کنند. در غیر اینصورت تملک بر شرکت به هر شکل خصوصی یا دولتی قانونیت پیدا کند، عملاً نظارت کارگران شکل صوری بخود میگیرد و باز هم مشکل لاینحل خواهد ماند.

پروش: پس از شروع اعتصابات در بخش نفت و پتروشیمی دو شعار اعتصاب عمومی و اعتصاب سراسری بعنوان قدمهای بعدی جهت گسترش اعتصابات کارگری طرح شده است. نظرتان در مورد این دو شعار در شرایط کنونی چیست؟

آسنگران: من شعار اعتصاب سراسری کارگران را میفهمم و زمینه های آن وجود دارد. تا همین حالا اعتصابات اخیر در بیش از چهل مرکز کارگری در پنج استان ایران خصلت سراسری خود را نشان داده است و باید تلاش کرد ابعاد این اعتصابات به همه استانها و همه مراکز کارگری سرایت پیدا کند. اما در مورد اعتصاب عمومی در شرایط فعلی که هنوز مردم در خیابان نیستند و جریان یا جریانات سیاسی با نفوذی هم در صحنه سیاست ایران از این اعتبار برخوردار نیستند که فراخوانشان گوش شنوا پیدا کند، طرح شعار اعتصاب عمومی را یک آرزوی گوینده باید محسوب کرد. اگر چه این شعار یعنی اعتصاب عمومی در شرایط اوجگیری اعتراضات مردم و به میدان آمدن تظاهراتهای میلیونی ممکن و عملی است، اما در شرایط فعلی و در تعادل قوای موجود به تصور من شعاری صرفاً تبلیغی کم اثر است و طرح آن از جانب هر کسی باشد توجهی به تعادل قوا و ملزومات عملی آن ندارد. مثل این میماند گفته شود چون انقلاب خوب است مردم فردا انقلاب بکنید. این نوع سیاست وقتی به طرح تاکتیک معین میرسد و برای عمل و پراتیک روز مطرح میشود، نمیتواند هیچ فاکتور جدی سیاسی را نشان بدهد که

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



حلقه های گرهی در پیشروی اعتلاء کارگری

علی جوادی

جامعه، شرایط اتحاد و همبستگی گسترده کارگری را که لازمه سراسری شدن اعتراضاتشان است فراهم کنند.

۳- جایگاه تعیین کننده آژیتاتورهای کارگری

طبقه کارگر توده بی شکل و سازمان نیافته ای نیست. در هر دوره، مستقل از درجه استبداد و اختناق حاکم، همواره صفی از رهبران عملی کارگری اعتراضات کارگران را هدایت و سازماندهی میکنند. پیشبرد یک اعتراض کارگری همواره در گرو نقشی است که این رهبران عملی کارگری ایفاء میکنند. این رهبران عملی برای توده کارگر شناخته شده و معرّفه اند. مساله اما بر سر ابراز وجود اجتماعی و علنی این رهبران در اعتراضات کارگری و حضور روزمره در جلوی صف اعتراضات کارگری است. این سنت اعتراضی به شکل برجسته ای تاکنون در اعتراضات هفت تپه و ... بکار گرفته شده است. ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی کارگری که در حلقه محافظت توده کارگر متشکل در مجامع عمومی روتین و شوراهای قرار دارند، یک ویژگی مهم پیشرفت و سراسری شدن اعتراضات کارگری است. حضور اجتماعی رهبران عملی کارگری در عین حال یک فاکتور مهم در برخورد کردن اعتراضات جامعه از وجود صف گسترده ای از رهبران کارگری و مانع تعیین کننده ای در کنترل و سوار شدن جنبشهای راست و ارتجاعی بر اعتراضات طبقه کارگر است.

رفقای کارگر، رهبران عملی کارگران

زمان برای دخالت گسترده و تعیین کننده شما در صحنه سراسری جامعه فرا رسیده است. حضور قدرتمند طبقه کارگر یک شرط اساسی در امر رهایی و آزادی جامعه از نکتبت حکومت اسلام و سرمایه است!

۹ اوت ۲۰۲۰

به کارگران نفت

رفقا، آنچه در ایران امروز میگذرد یک حقیقت را بیش از هر چیز تاکید میکند. رژیم اسلامی رفتنی است. باید برویم. این حکم مردم ایران است. حکم زنان ایران است. حکم همه کسانی است که برای آزادی و برابری و حرمت و رفاه انسانها در ایران دل میسوزانند. روند سرنگونی رژیم اسلامی آغاز شده است. و این شما را به میدان رهبری فرامیخواند. ... سقوط رژیم سلطنت وقتی مسجل شد که کارگر نفت، در راس کل طبقه کارگر ایران، بعنوان رهبر جامعه، رهبر سرسخت انقلاب، قلم علم کرد. امروز نیز شیشه عمر این رژیم کثیف مذهبی، این حکومت اسلامی سرمایه، در دست شماست.

همه میدانند که کارگر نفت ایران غول خفته ای است که اگر برخیزد، تکلیف کل اردوی ارتجاع، با همه دستگاههای تبلیغاتی اش، حامیان بین المللی اش، ارتش و سپاه اوباش، سرنیزه ها و شلاقها و عنابها هایش، سرعت بکسره خواهد شد.

اردوی آزادی و برابری و رفاهی در ایران چشم به شما دوخته است. زمان برای وسیع ترین و قاطعانه ترین دخالت طبقه کارگر در صحنه سیاسی ایران فرا رسیده است. اعتصاب سیاسی کارگران نفت در اخطار به رژیم اسلامی یک اقدام کار ساز و حیاتی در شرایط امروز است.

منصور حکمت (۲۳ تیر ۱۳۷۸)

شرایط سخت کنونی است. سؤال تعیین کننده این است که حلقه های گرهی در پیشرفت این اعتراضات کدام است؟ ملزومات پیشروی کدامند؟ بنظر من سه حلقه گرهی پیشروی از این قرارند:

۱- شعارها و مطالبات مشترک و سراسری

مطالبات و خواستههای مشترک یک رکن تعیین کننده سراسری شدن اعتراضات کارگری در شرایط کنونی است. حکومت اسلامی سرمایه و هر تازه کارفرمایی میدانند که بخش بخش کردن کارگران در کنار ابزار سرکوب و تحمیق شان نقش اساسی در پراکنده ماندن اعتراضات کارگران ایفاء میکند. به این اعتبار برای سراسری شدن اعتراضات باید شعارها و مطالبات سراسری را مطرح کرد که در برگیرنده مطالبات بخشهای گسترده طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار، اعم از قرار دادی و سفید امضا، اعم از دولتی و خصوصی و ... باشد. پرداخت فوری تمامی دستمزدهای معوقه، لغو قراردادهای برده وار سفید امضا، بیمه بیکاری مکفی برای تمامی کارگران بیکار و آماده به کار، افزایش فوری حداقل دستمزد به یک زندگی انسانی و ...

۲- برگزاری روتین مجامع عمومی کارگری

قدرت کارگر در تشکل و اتحاد کارگری است. سؤال کلیدی اما این است که کدام تشکل میتواند به بهترین و کارآ ترین شکلی اتحاد کارگران را تامین نموده و به مناسبترین شکل اعتراضات کارگر را در مقابل ابزار سرکوب و ارباب حکومت اسلامی سرمایه به پیش ببرد؟ تشکلی که بتواند بطور مستمر قدرت و اراده توده کارگر را در تصمیم گیریهای کارگری به روشنی منعکس کند. تاریخ مبارزات کارگری اثبات کرده است که تشکیل روتین مجامع عمومی کارگری اساس و سنگ بنای تامین اتحاد دائم و پیوسته توده کارگر است. تجربیات اخیر اعتراضات کارگران در هفت تپه، فولاد اهواز، هپکو و سایر کانونهای اعتراضی کارگری گواه این واقعیت است. برگزاری روتین مجامع عمومی کارگری در هر واحد تولیدی مستقل از تقسیم بندیهای رسته ای، مستقل از نوع قرار داد، مستقل از درجه بندی مشاغل و ... ظرف در برگیرنده کل کارگرانی است که در یک مجتمع تولیدی واحد فعالیت میکنند به سرعت و به سادگی میتوانند بر این تقسیم بندیها غلبه کنند. نمایندگان مجامع عمومی کارگری میتوانند در ارتباط با سایر نمایندگان کارگری در گوشه و کنار

زنده باد جنبش مجامع عمومی کارگران!

کارگران میتوانند!**غولی که باید تکان میخورد راه افتاده است!****محمد آسگران**

میتوان گفت تا حدودی سراسری شده است. بیش از ۳۰ مرکز کارگری در نقاط حساس و کلیدی اقتصاد ایران دست به اعتصاب زده اند. اعتصابات کارگری هیچ دوره ای از حیات جمهوری اسلامی تا این حد همزمان و قدرتمند به میدان نیامده است. هزاران کارگر صنعتی در این اعتصابات شرکت دارند. اعتصاب کارگران هفت تپه که با درایت و کاردانی خاصی حدود دو ماه است با شور و شوق و سخنرانیهای موثر که نشان از وجود طیف وسیعی از رهبران لایق کارگری است ادامه دارد، پیشتاز این موج اعتصابات بود. کارگران هفت تپه مشعل دار راهی شدند که اکنون کارگران نفت و پتروشیمی و دهها مرکز کارگری از جنوب تا شمال و از غرب تا شرق ایران به آن پیوسته اند.

موج اعتصابات کارگری راه را نشان داد. خصلت این اعتصابات سراسری است. میتوان و باید تلاش کرد تا ابعاد گسترده تر این اعتصابات کل رژیم و دستگاه سرکوبش را فلج کند. سرنوشت جمهوری اسلامی از این طریق عملی و نوید بخش رهایی کل جامعه از تبعیض و نابرابری است. پرچم رهایی جامعه بیش از پیش سخنگویان لایق خود را پیدا کرده است. این تنها راه امید و نوید دهنده آینده ای روشن و پیروزی کم هزینه علیه جمهوری اسلامی است.

روزهایی که کارگران هفت تپه به تنهایی و تحت فشارهای طاقت فرسای گرسنگی و گرما و خطر بیماری کرونا و تهدید دائمی مقامات دولتی و کارفرما و نیروهای امنیتی قرار گرفته بودند، اکنون با پیوستن دیگر بخشهای کارگری و در این ابعاد بی سابقه، دارد سپری میشود، با بهم پیوستم صدها کارگر به اعتصاب هفت تپه ایها، هم امید به پیروزی بیشتر شده است و هم نوید پشت سر گذاشتن روزهای سخت و عبور از نظام تبعیض آمیز سرمایه بیش از پیش خودنمایی میکند. واضح است کارگران هنوز به مطالباتشان نرسیده اند. اما قدرت آنها برای دیکته کردن مطالباتشان دهها برابر شده است. امید به پیروزی جنبش کارگری و رهایی جامعه از تبعیض و نابرابری و دزدی و اختلاس و زندان و اعدام و سرکوب بیش از همیشه قابل اجرا و عملی بنظر میرسد. راه اصلی مقابله با اعدام و زندان و فقر و استثمار و تمام مصائب نظام حاکم همین راهی است که امروز جنبش کارگری پیش پای کل جامعه قرار داده است.

جنبش کارگری امید به برپایی جامعه ای آزاد و مرفه را بیش از پیش تقویت کرده است. همگان میدانند که در پس بحران همه جانبه جمهوری اسلامی پایان عمر این رژیم در حال ورق خوردن است. تنها راه امیدوار کننده و کم هزینه همین راهی است که جنبش کارگری به آن دست زده است. اعتصاب و بالاخره اعتصاب سراسری گسترده تر، مهمترین سلاح جنبش کارگری و موثرترین راه خلاصی از جمهوری اسلامی و کل نظام ظالمانه سرمایه داری است.

پرچم سرخ جنبش کارگری که برای برپایی آلترناتیو کارگری باید به اهتزاز در میآید امروز در ابعاد قابل توجهی به اهتزاز درآمده است. غولی که باید تکان میخورد راه افتاده است.

رفقای کارگر، همکاران و رهبران و فعالین جنبش کارگری! جنبشی که شما پرچمش را به اهتزاز درآورده اید لرزه بر

اندام کل نظام حاکم و طبیفهای مختلف سرمایه داران در حکومت و در اپوزیسیون انداخته است. ناامیدی و بی افقی آنها نشان از قدرت و امیدواری و افق روشن شما برای رهایی از جامعه طبقاتی و رهایی از تبعیضات نظام حاکم است. راه ساختن آلترناتیو کارگری و کمونیستی از همین مسیرها میگذرد. اتحاد و رزمندگی تان، کاردانی و ایفای نقش رهبری تان و لیاقت و توانایی تان تا همین حالا نشان داده است که شما رهبران لایق جامعه هستید. رسیدن به زندگی بهتر و برپایی آلترناتیو کارگری وظیفه ای است که تاریخا بر دوش جنبش ما کارگران قرار گرفته است. شما سخنگویان و رهبران لایق مردم ایران هستید. شما با اتکا به مجامع عمومی و تصمیمات جمعی تان نشان دادید که تشکل شورایی و دخالت جمعی همه آحاد جامعه برای مقابله با حاکمان دزد و فاسد و سرکوبگر موثرترین و کارا ترین ابزار اتحاد و پیروزی است. عبور از تبعیض و سرکوب و تمام مصائب جامعه طبقاتی موجود از همین مسیر ممکن و عملی است. شما راه را نشان دادید و این راه رهایی کل جامعه است.

خطاب به همه فعالین و احزاب سیاسی چپ قاعدتا همه دیده و شنیده اید که جنبش کارگری وارد فاز تازه ای شده است. اعتصابات کارگری ابعاد بی سابقه ای بخود گرفته است. فازی که میتواند و باید سرنوشت ساز باشد. ما کمونیستها سالها منتظر چنین روزی بودیم. آن روز همین امروز است.

اسطوره ای یونانی وجود دارد که داستان مردی مدعی پرش خارق العاده را بیان میکند. اکثر این افسانه مردی است که همیشه ادعای پرش خارق العاده در بلندیهایی "رودوس" میکرد، مردم روزی در شهر دیگر به او گفتند "رودوس" همینجا است همینجا بپر! مارکس در فصل نخست هجدهم برومر، با اشاره به این افسانه می گوید: "گل همین جاست، همین جا برقص."

داستان این افسانه امروز مصداق حال جریانات و فعالین چپ ایران است. باید به آنها گفت امروز همان روزی است که ظاهرا منتظرش بودید. به میدان بیایید و صدای جنبش کارگری ایران باشید. کسی که وظایف خود را فقط به دادن اطلاعاتیه و نوشتن مقالات خلاصه کند نشان میدهد که بخش مهم وظیفه یک فعال و جریان کمونیستی را متوجه نیست. امروز کارهای زیادی را در حمایت از اعتصاب کارگران ایران میتوان انجام و سازمان داد.

از تجمعهای اعتراضی گرفته تا مطلع کردن سازمانهای کارگری دنیا، از حمایت عملی از این اعتصابات گرفته تا جمع آوری کمک مالی برای بچه ها و خانواده های کارگران اعتصابی، از سازمان دادن اعتراضات کارگری گرفته تا تلاش برای گسترش این اعتصابات، از پخش اخبار و گزارشات این اعتصابات گرفته تا راه اندازی آکسیونهای حمایتی در خیابان و در میدیای اجتماعی در خارج و داخل ایران، مانند مورد "اعدام نکنید" و... موارد فوق و دهها مورد دیگر همگی اقداماتی است که همچنان روی زمین مانده است و باید به آنها پرداخت.

جنبش کارگری ایران حرکتی را سازماندهی کرده است که در تاریخ چهل و یک سال اخیر بی سابقه است. کارگران و فعالین و رهبران جنبش کارگری چکار باید بکنند که نیروهای چپ و فعالین و حامیان جنبش کارگری تکان بخورند و به هیجان در بیایند. آیا امری مهتر از این هم در شرایط فعلی وجود دارد که کسی که خود را چپ و کمونیست بداند به آن مشغول بشود؟

**نه به شکنجه، نه به اعدام!
نه به جمهوری اسلامی!**

کانال برای یک دهنای بهتر

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!



وعده گشایش اقتصادی حسن روحانی، فریب بزرگ!

پدram نواندیش

واقعیت این است که وضع اقتصاد رژیم اسلامی آنچنان بحرانی است که دورنمای فروپاشی اقتصادی بورژوازی ایران دور از ذهن نمی تواند باشد. تمام تلاش کاربدستان رژیم اسلامی و حامیان بین الممالی اش جلوگیری از فروپاشی اقتصاد به شدت بحرانی تحت سیطره آنها است. بسته پیشنهادی دولت حسن روحانی که تزریق پول به بانکها و بنگاهای سرمایه داران را دنبال می کند، بیانی از تلاش دولت اسلامی سرمایه داران برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی رژیم است که در حال حاضر میتوان به بحران در صنایع خودروسازی و بخش مسکن اشاره کرد.

قرار نیست نه تنها دولت روحانی بلکه هیچیک از دولت های جمهوری اسلامی برای مردم و بهبود شرایط زندگی آنها کاری انجام بدهند. حتی آنها که به نقد این بسته های اقتصادی دولت روحانی پرداخته و یا نامه مینویسند و هشدار میدهند نیز نباید این توهم را بوجود بیاورد که آنها از سر دلسوزی برای مردم کارگر و توده کارکن جامعه این کارها را انجام می دهند. اینها همگی اعضای یک خانواده هستند و دعوای آنها به مردم ربطی نداشته و ندارد. دعوای آنها بر سر حفظ حکومت جنایت کارشان از سقوط محتوم است.

آنچه که کارگر و کارکن در جامعه ایران طی 41 سال گذشته با زندگی خود تجربه کرده، محرومیت و مصائب زندگی چند برابر زیر خط فقر بوده است. هر سال خامنه ای و تمام ارازل حکومتی از همان ابتدای سال طرح میدهند که چگونه مردم کارگر و کارکن جامعه را سر کیسه کنند و آن مقدار نان سر سفره آنها را نیز غارت کنند. همه این ارازل میدانند که بسته های اقتصادی شان می بایست بر مبنای خالی کردن جیب کارگران و توده های کارکن جامعه باشد.

کارگران و مردم زحمتکش چاره ای ندارند به جز اینکه برای کسب مطالبات خود مبارزاتشان را گسترش دهند. دورنمای این وضعیت تشدید بحران های رژیم اسلامی از یکسو و گسترش مبارزات توده ای کارگران از سوی دیگر است.

حتی اگر دست حزب الله از دولت و مجلس و بنیاد های ریز و درشت و سپاه پاسداران هم قطع شود، هنوز کل نظام جمهوری اسلامی در انظار جامعه ایران ماندنی محسوب نمی شود. حادثترین تقابلهای سیاسی و فکری در جامعه ایران در راه است



نشریه پرسش را به دوستان خود معرفی کنید!